

تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س)

*
کبری روشنفکر
**
دانش محمدی

چکیده: گفتمان پدیده‌ای زبانی است که در اثر ارتباط تولید می‌شود و نوع آن متأثر از موقعیت آن است. تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که به نقد و تحلیل متون می‌پردازد. در گفتمان دو عنصر مهم بررسی می‌شود: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت. گفتمان دارای شاخه‌های مختلفی است. خطبه‌های حضرت زینب(س)، دارای دو بافت زبانی و موقعیتی است. از منظر تحلیل گفتمان، خطبه ایشان در میان مردم کوفه، مناسب با بافت موقعیتی آن دارای برجستگی‌های عاطفی بیشتر و گفتمان آن حضرت در مجلس ابن‌زیاد و یزید، مناسب با موقعیت آن، دارای برجستگی‌های برهانی و استدلالی بیشتر است. در بافت متنی گفتمان ایشان، از یک طرف بافت بنایی یا کلی آن و از طرف دیگر، بافت ساختاری -که شامل کلیّة نکات زبانی و بلاغی است -مورد توجه قرار می‌گیرد.

*. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.
**. کارشناس ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.

این جستار با توجه به انواع ارتباطها و پیوندها، می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی جنبه‌های ادبی و اجتماعی خطبه‌های حضرت زینب بپردازد.

کلیدواژه: گفتمنان / تحلیل گفتمنان / گفتمنان ادبی / حضرت زینب(س) / خطبه حضرت زینب.

۱. مقدمه

تحلیل متون ادبی از قدیم، رواج داشته است. توجه به جزئیات و بافت‌های همچون کلمه و جمله و توجه به نکات بلاغی از خلال جزئیات، از جمله ویژگیهای تحلیل متون ادبی در روزگاران گذشته بوده است.

سال‌هاست که تحلیل متون ادبی از بررسیهای توصیفی عبور کرده است و از یک سو، کلّیة ساختارهای متون ادبی از جزئی‌ترین آنها همچون حروف و کلمات، تا واحدهای بزرگ‌تر از جمله، همچون زبان، مورد بررسی قرار گرفته و از سوی دیگر، این متون به عنوان پدیده‌های زبانی - که در تعامل با اجتماع‌اند - بررسی می‌شوند. در این زمینه، نظریات گوناگونی در تحلیل زبان و تولیدات زبانی شکل گرفت که به بررسی زبان از خلال ارتباط آن با اجتماع پرداخته شد. نظریه تحلیل گفتمنان از جمله این نظریات است که توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. تحلیل گفتمنان به بررسی متون ادبی از جنبه ساختارهای زبانی و بافت متنی می‌پردازد. نظریه گفتمنان در زبان‌شناسی متولد شد. زلیگ هریس، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، اولین بار اصطلاح تحلیل گفتمنان را به کار برد. او دیدی صورت‌گرایانه به جمله را مطرح کرد و تحلیل گفتمنان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه به جمله و متن برشمود. (۹: ص ۸)

در دهه‌های بعد، تحلیل گفتمنان دارای میدان وسیع‌تری شد و عده‌ای از زبان‌شناسان، در دهه‌ای ۷۰ و ۸۰ میلادی، مفهوم بافت را نیز در تحلیل گفتمنان وارد

کر دند. (همان: ۱۰-۸).

خطبه‌های حضرت زینب(س) به عنوان پدیده‌ای زبانی، از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی دور نبوده است. زینب(س) از فصاحت و بлагت قرآن و نبی اکرم ﷺ و علی علیہ السلام بهره‌ها برده؛ همان قرآن که فصاحت و بлагت آن، خطباء وادباء عرب را عاجز کرده و همان نبی که «أَفْصَحُ مِنْ نَطْقِ الْمُضَادِ» بود و همان علی علیہ السلام که نهج البلاغه او فصیح‌ترین کلامها بعد از قرآن و کلام نبی ﷺ است. تحلیل کلام چنین شخصیّتی، اگرچه بارها و بارها صورت گرفته است، ولی به جرئت می‌توان گفت که اکثر تحلیلگران نتوانسته‌اند فصاحت و بлагت ایشان را حتی به قدری بسیار اندک، نشان دهند؛ چراکه اکثر آنان به تحلیل کلام ایشان با استناد به جنبه‌هایی محدود از ساختارهای متنی کلام، همچون ساختارهای بلاغی قدیم، اکتفاکرده و حتی نتوانسته‌اند ارتباط بعضی از این ساختارهای بلاغی، همچون آرایه‌های ادبی نظری استعاره، تشییه و سجع را با فصاحت و بлагت ایشان بیان کنند. در حالی که اوج فصاحت و بлагت زینبی زمانی بروز می‌کند که ایشان با توجه به هر موقعیت، بهترین کلام را مناسب با آن جایگاه، بیان می‌کند. به عبارت دیگر، زیبایی‌های تمام ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی، همگی در ارتباط با بافت موقعیتی آن ظهرور پیدا می‌کنند.

این نوشتار بر آن است تا کلام حضرت زینب(س) را در خطبه‌ها بر اساس شیوه تحلیل گفتمانی، بررسی کند. خطبه‌های حضرت زینب(س) از دو جنبه بافت متنی و بافت موقعیتی، قابل بررسی و تحلیل‌اند. داده مورد تحلیل، خطبه‌های حضرت زینب(س) در میان مردم کوفه و در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید است. در این بررسی، ابتدا مفاهیم گفتمان، تحلیل گفتمان، انواع گفتمان و گفتمان ادبی بررسی می‌شود و سپس خطبه‌های حضرت زینب(س) از دو جنبه بافت موقعیتی و بافت متنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان، نتیجه‌گیری خواهد آمد.



۲. گفتمان

گفتمان معادل واژهٔ فرانسوی (discourse) اصطلاحی زبان‌شناسی است که به سرعت، کاربرد وسیعی یافت. (۳: ص ۲۲) جی. ای. کادن در فرهنگ اصطلاحات، گفتمان را در اطلاق به مباحث بسیار عالمانه و دقیق گفتاری یا نوشتاری پیرامون یک موضوع فلسفی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و هنری به کار می‌برد. (۱۴: ص ۲۶) گفتمان در مفهوم سنتی - فلسفی آن به معنی دلیل‌آوری و بازتاب روشنمندانه و کنترل شده گفتاری یا نوشتاری است. (۵: ۱۳۸۰) نیز گفتمان را مراوده کلامی، بدء‌بستانی بین گوینده و شنوونده، باز نمود یک صدا در دل یک متن و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی دانسته‌اند. (۱۵: ص ۱۰) به عبارت دیگر، گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط (۱: ص ۲۶) و به طور کلی، اصطلاحی عام است برای نمونه‌های کاربردی زبان یعنی زبانی که در اثر برقراری ارتباط، تولید شده است و برخلاف دستور زبان - که با عبارتها و جمله‌ها سروکار دارد - گفتمان با واحدهای زبانی بزرگ‌تر چون پاراگراف، مصاحبه، مقالمه و متن سروکار دارد. (همان)

شرط اصلی گفتمان گفتگو یا همه پرسه است. هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. گفتمانها بر حسب زمان و مکان متفاوت‌اند؛ (۱۴: ص ۵۵) مثلاً گفتمانی که میان یک دانشجو و همکلاسی او در بیرون از دانشگاه صورت می‌گیرد، با گفتمانی که میان همان دانشجو و همکلاسی او در کلاس صورت می‌گیرد، متفاوت است.

از تعاریف ذکر شده چنین بر می‌آید که گفتمان پدیده‌ای است زبانی متاثر از اجتماع و نوع و کیفیت آن از موقعیتی به موقعیت دیگر، تفاوت دارد.

۳. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان معادل (Analys Discourse) است که معادل فارسی آن سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار می‌باشد. تحلیل گفتمانی یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌های چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. (۹: ص ۷) به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان همان نقد گفتمان و بررسی نقاط قوت و ضعف آن است.

۴. عناصر گفتمان

در تحلیل گفتمان، دو عنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیّت.

منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. در بافت موقعیّتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیّت خاصی که تولید شده است، بررسی می‌شود. (۳: ص ۱۴۲)

۵. انواع گفتمان

به سبب اینکه می‌توان گفتمان را با توجه به تعریف آن در یک نوع بررسی کرد، اکثر زبان‌شناسان از تقسیم آن خودداری کرده‌اند؛ ولی عده‌مدودی آن را به انواع گوناگونی تقسیم کرده‌اند. از جمله این تقسیم‌بندیها می‌توان به: ۱. گفتمان دینی ۲. گفتمان سیاسی - اجتماعی ۳. گفتمان ادبی - هنری ۴. گفتمان تبلیغاتی -



اطلاعاتی ۵. گفتمان علمی - منطقی ۶. گفتمان قانونی ۷. گفتمان تاریخی ۸. گفتمان اخلاقی ۹. گفتمان فلسفی، اشاره کرد. (۴: ص ۲۳) اما از آنجاکه این مقاله به گفتمان ادبی می‌پردازد، به تعریف این نوع گفتمان از بین انواع مختلف آن اکتفا می‌شود.

۶. گفتمان ادبی

گفتمان ادبی «گفتمانی است نقدی که آثار ادبی و هنری را به منظور بیان زیبایی‌ها، تصویرگریها و روش‌های آن و تأثیر بر خواننده و برانگیختن احساس وی و میزان ابداع و نوع آوری آنها از جانب ادیب و هنرمند تحلیل می‌کند. گفتمانی است که بین ذات ادیب و هنرمند و واقعیتی که تصویرش می‌کند، ارتباط برقرار می‌کند». (همان)

با توجه به تعریفی که از گفتمان به شکل عام، و گفتمان ادبی به شکل خاص، ارائه شد و با توجه به شناختی که از دو عنصر مهم گفتمان، بافت متن و بافت موقعیت، حاصل شد، به نظر می‌رسد که در تحلیل گفتمان ادبی توجه به موارد زیر ضروری است.

۱. موقعیتی که گفتمان در آن شکل گرفته است؛ ۲. بافت کلی گفتمان و سیر موضوعی آن؛ ۳. ساختارهای زبانی و اسلوبی که ادیب برای بیان گفتمان، بر حسب موقعیت آن انتخاب کرده است؛ ۴. ساختارهای درونی گفتمان ۵. تأثیر گفتمان. باید توجه داشت که جدا کردن این ساختارها و بررسی هر کدام از آنها بصورت منفصل از ساختارهای دیگر، امری بسیار دشوار است؛ چراکه «لفظ و معنی یا شعور و تعبیر، وحدت و یکپارچگی دارند و ساختارهای تعبیری چیزی به جز نتیجه ساختارهای درونی نیستند و ساختارهای درونی هم بدون ساختارهای بیرونی، امکان بروز پیدا نمی‌کنند» (۶: ص ۲۵) و تمامی آنها در رسیدن به یک هدف مشترک گام بر می‌دارند؛ ولی برای سهولت فهم، سعی می‌شود تا آنجاکه ممکن است؛ این

ساختارها به صورت جدا از هم بررسی شوند.

۷. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س)

در تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س) ابتدا به بافت موقعیتی آن می‌پردازیم و سپس با تحلیل بافت متنی آن، نتیجه می‌گیریم که بافت متنی خطبه‌ها به زیبایی، متناسب با بافت موقعیتی آنها آمده است.

۷-۱) تحلیل بافت موقعیتی خطبه‌ها

خطبه‌های حضرت زینب(س) هر کدام دارای موقعیتی خاص است که اسلوبی خاص را هم می‌طلبد.

خطبه ایشان در کوفه، در میان مردم بوده است؛ مردمی که استاد مطهری مهم‌ترین عامل در اقدام آنها به قتل فرزند رسول خدا علیهم السلام را جهالت آنان می‌داند و در واقع امام حسین، شهید فراموشکاری مردم شد. (۱۳: ص ۴۷-۴۸) همین مردم اگرچه اهل بیت پیامبر علیهم السلام را تنها گذاشتند، ولی بعدها جوانه‌های نهضت مقاومت و بیداری در میان آنها آشکار و به صورت قیام توابین و مختار، روییده شد و به حکومت هزارماهه بنی امية خاتمه داد. (۹۱: ص ۱۲) در حقیقت، تأثیر این خطبه در مردم، اولین بذرهای این قیامها را در وجود آنها کاشت. لذا واجب بود که این خطبه‌ها به صورتی ایراد شود که بیشترین تأثیر را در آنها بگذارد و وجdan خفته آنان را بیدار کند.

خطبه حضرت زینب(س) در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید، در مقایسه با خطبه ایشان در کوفه، موقعیتی متفاوت دارد و اسلوبی دیگر را اقتضا می‌کند. ابن‌زیاد و یزید هدفی جز تحریف واقعه کربلا و جلوگیری از ابلاغ رسالت حسین علیهم السلام بعد از شهادت او نداشتند. آنها در پی معروفی کردن شهادت امام علی علیهم السلام و امام حسین علیهم السلام

به عنوان عذابی از جانب خدا بودند.^۱ یزید از نسل «من لفظ فوه أكباد الاذكياء»^۲ بود. او همان شرابخواری بود که دوست و دشمن به فساد او اعتراف می‌کردند و حسین علیه السلام وجود چنین حکمرانی را برای حکومت اسلامی مایه نابودی اسلام می‌دانست.^۳ در مقابل چنین شخصیتی و در شرایطی که سر بربریده امام حسین علیه السلام در مقابل چشمان زینب(س) توسط یزید مورد اهانت قرار می‌گیرد و مجلسیان یزید التماس و به خواری افتادن خواهر حسین علیه السلام را انتظار می‌کشیدند تا آخرین ضربه خود را به پیکر اهل بیت پیامر بزنند، زینب با رفتاری آرام و کلامی استوار و استدلالی که نشان‌دهنده ایمان او به پیروزی آنان بر یزیدیان بود، خطبه تاریخی خود را -که اتمام‌کننده حماسه برادر در ابدیت تاریخ است، ایراد می‌کند.

مخاطبان حضرت زینب(س) در کوفه، مردمی بودند که با شرایط خاص خود، موقعیتی را ایجاد کرده بودند که اسلوب عاطفی، بیشتر از اسلوب برهانی و استدلالی، می‌توانست مؤثر باشد. در مقابل، مخاطبین ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، با شرایطی متفاوت‌تر و در نتیجه، موقعیتی دیگر، اسلوب کلامی دیگری را می‌طلبیدند که می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیت آنها دانست. البته باید توجه داشت که این موقعیت خاص در مقابل ابن‌زیاد و یزید که اقتضای اسلوب جدلی و حماسی را دارد - فقط مخصوص شخصیت زینب(س) است و گرن، چه کسی به جز دختر علی علیه السلام می‌تواند با وجود آن همه مصیبتهایی که بر او وارد شد، باز هم در مقابل زورگویانی همچون ابن‌زیاد و یزید، مقاومت کند و سر تسلیم و خواری فرود نیاورد و به تخطیه و شماتت یزیدیان پیردازد.

۱. در مجلس ابن‌زیاد، او خطاب به حضرت زینب(س) گفت: الحمد لله الذي فضحك و قتلکم وأكذب أحدهو شکم: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و دروغتان را ثابت کرد. ۱۷۶: ص ۱۱

۲. حضرت زینب(س) در خطبه خود در مجلس یزید، او را «ابن من لفظ فوه أكباد الاذكياء» خواند؛ یعنی: پسر کسی که جگر پاک ترین بندگان خدا را درید. (همان)

۳. و على الإسلام السلام؛ إذا قد بليت الأمة برابع مثل یزید. (۱۳: ص ۳۰)

۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه‌ها

در اینجا، بافت متنی خطبه‌های حضرت زینب به ترتیب در کوفه، مجلس یزید و مجلس ابن زیاد بررسی می‌شود.



۱-۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در کوفه

در تحلیل بافت متنی خطب می‌توان یک‌بار بافت بنایی آن را بررسی کرد و یک‌بار، بافت ساختاری آن را که شامل ساختارهای زبانی و اسلوبی گفتمان می‌باشد.

۱-۱-۲-۷) تحلیل بافت بنایی خطبه

خطبه حضرت زینب در کوفه، از لحاظ بافت کلی و بنایی، دارای مقدمه، متن اصلی و خاتمه بوده، همگی تسلل و اتحاد متنی دارند. مقدمه آن با حمد و ثنای خدا و صلووات بر محمد ﷺ و اهل بیت‌ش آغاز می‌شود. سپس متن اصلی آن با خطاب قرار دادن اهل کوفه، به اهل نیرنگ و فریب -که از بارزترین ویژگیهای کوفیان در مقابل اهل بیت پیامبر ﷺ بوده است- آغاز می‌گردد و سپس با تشبيه اعمال آنان به اموری حسّی، اعمال‌شان برایشان روشن می‌شود. در اینجا حضرت زینب(س) آنان را شایسته‌گریه کردن می‌داند؛ چراکه به قتل برگزیده خاندان نبوّت دست یازیدند. وی سپس آنان را به خاطر این کارشان نفرین می‌کند؛ کاری که به خاطر آن، به خشم خدا چار شدند و بعد از آن هم انذار می‌دهد که آنان با این کار خود جگر رسول خدا را شکافتند و اگر از این کارشان آسمان هم خون ببارد، تعجبی ندارد. در پایان هم آنان را به سرنوشت نهایی کافران آگاه می‌سازد و اینکه خداوند در کمین آنهاست.

۲-۱-۲-۷) تحلیل بافت ساختاری خطبه

اعمال ادبی از لحاظ ساختارهای متنی، به دو قسمت ساختارهای درونی و ساختارهای بیرونی تقسیم می‌شوند. در ساختارهای بیرونی، الفاظ و عبارات، صور و خیال و موسیقی بررسی می‌شود و در ساختارهای درونی، عاطفه و فکر، مورد

نظر قرار می‌گیرد.

همان طور که در بافت موقعیتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبهٔ حضرت زینب(س) در کوفه، احتیاج به نوعی تأثیرگذاری بالا در شنوندگان داشت؛ البته تأثیرگذاری ای که از راه به کارگیری عاطفه باشد، نه استدلال. لذا کلیه ساختارهای اسلوبی این خطبه، متناسب با موقعیت ایراد خطبه آمده است و حضرت زینب(س) به بهترین شکل، مقتضای حال مخاطب را در خطبه خود رعایت کرده است. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. زیبایی چهارچوبی که معانی در آن قرار داده شده‌اند و هماهنگی آهنگ الفاظ و عبارات با فضایی که بر هر معنی حاکم است. «از وظایف ادیب برجسته این است که تصاویر و آهنگ الفاظ و عبارات او با جو شعوری که رسم می‌کند، هماهنگ باشند.» (۶: ص ۴۵)

حضرت زینب(س) آنجاکه می‌خواهد دردمند شدن رسول خدا ﷺ را به خاطر شهادت حسین علیه السلام نشان دهد، کلام را در چارچوبی زیبا و عاطفی و تأثیربرانگیز قرار می‌دهد و از تعابیری چون وای بر شما ای مردم، شکافتن جگر رسول خدا، ریختن خون او و شکستن حرمت او استفاده می‌کند که در آن، گزینش الفاظی چون کبد، دم، حرمه، همراه با جاری شدن عبارات هم‌آهنگ با این جو عاطفی، به بهترین شکل، شور و هیجان درونی را برمی‌انگیزد.

و یلکم یا أهل الكوفة، أئدون أيّ كبد لرسول الله فريتم، و أيّ كريمة له

أبرزتم، و أيّ دم له سفكتم، و أيّ حرمة له انتهكم؟^۱

در مقابل هنگامی که می‌خواهد رشت بودن و شدت عمل مردم در به شهادت رساندن حسین علیه السلام را توصیف کند، از کلماتی همچون صلوعاء، عنقاء، سوداء، فقماء، خرقاء، شوهاء -که آهنگ حروف آنها نوعی خشونت و تنفر را درگوش ایجاد

۱. وای بر شما ای اهل کوفه، آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا شکافتید؟ و آیا می‌دانید کدام دختر او را مورد تماشای دیگران قرار دادید؟ و چه خونی از او بر زمین ریختید و چه حرمتی از او درید؟

می‌کند - استفاده می‌کند.

و لَقَدْ جَئْتُمْ بِهَا صَلَعَاءَ، عَنْقَاءَ، سُودَاءَ فَقْمَاءَ، خَرْقَاءَ شُوهَاءَ كَطْلَاعَ الْأَرْضِ.^۱

۲. برجسته‌سازی جملات کوتاه که دارای نوعی آهنگ درونی‌اند. این‌گونه جملات در تأثیرگذاری نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

لَقَدْ خَابَ السُّعْيُ وَ تَبَيَّنَ الْأَيْدِي وَ خَسِرَتِ الصَّفَقَةِ.^۲

وَ أَنِّي تَرَحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتَمِ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدَنِ الرَّسَالَةِ وَ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ

الجَنَّةِ وَ مَلَادِ خَيْرِكُمْ وَ مَفْزَعِ نَازِلِكُمْ وَ مَنَارِ مَحْجُونَكُمْ، وَ مَدْرَهِ سَتَّكُمْ.^۳

استفاده از این اسلوب در سوره‌های مکی قرآن به خوبی نمایان است.

۳. تکرار کلمات هم آهنگ که از نظر معنایی، دارای نزدیکی‌اند. این اسلوب نیز در تأثیرگذاری عاطفی مؤثر است.

وَ هَلْ فِيكُمْ إِلَّا الصَّلْفُ وَ النَّطْفُ وَ الْكَذْبُ وَ الشَّنْفُ؟^۴

وَ لَقَدْ جَئْتُمْ بِهَا صَلَعَاءَ، عَنْقَاءَ، سُودَاءَ، فَقْمَاءَ، خَرْقَاءَ، شُوهَاءَ، كَطْلَاعَ الْأَرْضِ.

۴. جملات دعایی و نفرین که تأثیر بسزایی در برانگیختن عاطفه مخاطبان دارد.

فَلَرَقَعَتِ الدَّمْعَةُ، وَ لَاهَدَاتِ الرَّنَّةِ.^۵

بَعْدًا لَكُمْ وَ سَحْقًا.^۶

۱. کار زشت و ناشایستی انجام دادید و جنایت بزرگی کردید و ظلم و ستمی عظیم به بزرگی زمین و آسمانها مرتكب شدید.

۲. کوشش شما به نامیدی کشید و دستهای شما از رحمت خدا کوتاه شد و معامله شما موجب خسران و زیان شما گردید.

۳. و چگونه می‌توانید بشورید و پاک کنید قتل پسر پیامبر خاتم و معدن رسالت و سید جوانان اهل بهشت را آن کسی که پناهگاه نیکان شما و جایگاه امن در بلاهای سخت و پرچم حجت شما و زیان سنت در میان شما بود.

۴. در میان شما جز خودستایی و فساد و سینه‌های پر از کینه نیست.

۵. هرگز آب دیدگانتان فرو نایستد و ناله‌هایتان ساکت نشود.

۶. دور باشید از رحمت خدا و هلاکت برای شما باد.

۵. جملات ندایی و طلبی که وجدان انسانها را خطاب قرار می‌دهند.

يا أهل الكوفة، يا أهل الخترو الغدر.^۱

ويلكم يا أهل الكوفة.^۲

أي والله فابكونا كثيراً وأضحكوا قليلاً.^۳

۶. وجود صور خیال که به خطبه زیبایی افزون‌تری می‌بخشد و در نتیجه، به تأثیر بیشتر آن کمک می‌کند. به کارگیری معانی مجرّد، بدون صور خیال، از تأثیر متن ادبی می‌کاهد. (۶: ص ۱۴۹) قرآن به بهترین شکل از صور خیال برای تأثیر بیشتر معانی استفاده کرده است. «**مُثَلُّهُمْ كَمْلُ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلِمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يَبْصِرُونَ.**» (بقره (۲) / ۱۷) «**وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقْضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثَهَا.**» (تحل (۱۶) / ۹۱) حضرت زینب(س) نیز با به کارگیری اسلوب قرآنی، به استفاده از صور خیالی -که عناصر خود را از واقعیت می‌گیرند - پرداخته است.

تشبیه:

مُثَلُّكُمْ كَمْلُ الَّذِي نَقْضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَاثَهَا...^۴

او كمرعى على دمنة او كفضة على ملحودة.^۵

استعاره:

خاتم النبوة، معدن الرسالة، منار محجّتكم.^۶

۱. ای مردم کوفه، ای صاحبان مکر و خدعا.

۲. وای بر شما ای مردم کوفه.

۳. آری، به خدا قسم که بسیار گریه کنید و بسیار کم بخندید.

۴. مثل شما مثل زنی است که رشته‌های خود را به استواری می‌بافد و سپس از هم باز می‌کند.

۵. شما مانند گیاهان مزبله‌ها هستید که قابل خوردن نیستند و مانند نقره‌ای هستید که زینت قبورند.

۶. خاتم و معدن رسالت، آن کسی که در گرفتاریها پناهگاه شما و در مقام مجادله با دشمنان راهنمای شما بود.

ضربت عليكم الذلة و المسكنة.^۱

أعجبتم أن أمطرت السماء دماً.^۲

۷. استفاده از اسلوب انذار.



ما قدّمت لكم أن سخط الله عليكم و في العذاب أنتم خالدون.^۳

بؤتم بغضب من الله.^۴

ويلكم يا أهل الكوفة.

لعذاب الآخرة أخزى وانتم لا تنتظرون.^۵

آن ربيكم لم بالمرصاد.^۶

۸. به کارگیری اسم نکره، برای نشان دادن شدّت عمل و استفاده از تقدیم و تأخیرهای بلاغی، برای هماهنگی پایان جملات و آهنگین کردن آنها که خود در افزودن بر تأثیر خطبه، مؤثر است.

«بؤتم بغضب من الله». غضب نکره است و در بلاغت عربی، «یکی از کاربردهای بلاغی اسم نکره نشان دادن شدّت و بزرگی چیزی است.» (۱۶: ص ۱۲۱)

«أَتَدْرُونَ أَيْ كَبْدَ لِرَسُولِ اللَّهِ فَرِيْتُمْ وَأَيْ كَرِيمَةَ لَهُ أَبْرَزْتُمْ وَأَيْ دَمَ لَهُ سَفَكْتُمْ وَأَيْ حَرْمَةَ لَهُ انْتَهَكْتُمْ.» در اینجا برای هماهنگی آهنگ، کلمات کبد، کریمه، دم و حرمة - که همگی مفعول‌اند - مقدم شده‌اند. از منظر بلاغت عربی، یکی از دلایل تقدیم و تأخیرها، ایجاد هماهنگی در موسیقی آخر جملات است. (همان: ص ۱۵۴)

۹. استفاده از کلماتی که خود به تنها یی، برانگیزاننده عاطفه‌اند. در تحلیل نشانه

۱. ذلت و بیچارگی شما را احاطه کرده است.

۲. آیا تعجب می‌کنید که آسمان خون ببارد.

۳. چه زاد و توشه زشتی برای خود در عالم فراهم نمودید که موجب غضب خدا گردید و عذاب جاویدان برای شما آماده شد.

۴. همانا به غضب خدا دچار شدید.

۵. بدون شک، عذاب آخرت سخت‌تر و خوارکننده‌تر است. و در آن روز مهلت داده نمی‌شود.

۶. پروردگار شما در کمین شماست.

معناشناختی گفتمان، یکی از ابعادی که در بر انگیختن عاطفه مؤثر است، وجود کلماتی است که خود به تنها یی بار عاطفی دارند. (ص ۱۴۴: ۷) در خطبه حضرت زینب(س) در کوفه کلماتی همچون: البکاء، الدمعة، الرنة، دم، به تنها یی دارای بار عاطفی اند.

۱۰. برجسته بودن عنصر عاطفه به عنوان عاملی تأثیرگذار که خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، اقتضای آن را دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در تحلیل ساختارهای درونی گفتمان، مورد توجه قرار می‌گیرد، عنصر عاطفه است. «در واقع عواطف همچون عطری هستند که در سرتاسر گفتمان پخش می‌شوند و فضای آن را با بوی ملایم یا تند خود تحت تأثیر قرار می‌دهند». (همان: ص ۱۳۷) در بررسی ابعاد عاطفی خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، همین بس که کلیه ساختارهای بیرونی این خطبه، همچون الفاظ و عبارات، صور خیال، موسیقی و آهنگ موجود در متن - همان‌طور که به آنها اشاره شد - نمود و نتیجه‌ای از این عاطفة سرشارند. شاید همان فریاد دردنگ و لرزه بر انداز آن حضرت و خطاب او به اهل کوفه، با عنوان اهل نیرنگ و فریب^۱ که یادآور فریادهای «یا أشباه الرجال ولا رجال» (۸: ص ۷۱) پدر بزرگوارشان امیر المؤمنین است - بتوان به عنوان نقطه اوج این عاطفه دانست.

۲-۲۷) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در مجلس ابن‌زیاد خطبه ایشان در مجلس ابن‌زیاد، در قالب گفتگو و در چند جمله میان حضرت و ابن‌زیاد شکل گرفته است. از ویژگیهای بافت متنی این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استفاده از الفاظ ساده و استوار و عباراتی غیر آهنگین که نشان از صبر و برداشی فراوان حضرت زینب دارد. ایشان در جواب ابن‌زیاد که از او سوال کرد:

۱. يا أهل الكوفة، يا أهل الخترة والغدر.

نظرت در مورد آنچه خداوند بر سر برادرت و پدرت آورد چیست؟ با آرامشی خاص و کلامی ساده و استوار و آهنگی آرام، فرمود: «ما رأيٌت إِلَّا جَمِيلًا. هُوَ لِإِقْوَامٍ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ، فَبَرُزَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ...»^۱



۲. به کارگیری اسلوب بلاغی «القول بالوجب» که یک نوع آن عبارت است از اثبات صفتی برای چیزی یا شخصی و آوردن حکمی بر اساس آن که خود باعث نفی آن صفت از فرد مقابل می‌شود. این اسلوب به زیبایی در قرآن آمده است. «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجُنَ الْأَعْزَّ مِنْهَا الْأَذْلُّ وَلَهُ الْعَزَّةُ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ». (منافقون (۶۳) / ۸) در این آیه، منافقان خود را عزیز و مؤمنان را ذلیل می‌دانند و در مقابل، خداوند بدون اینکه بگوید منافقان عزیز نیستند، عزّت را مختص به خود و رسولش و مؤمنان می‌داند و در واقع، با به کار بردن جمله مثبت، عزّت را از منافقان نفی می‌کند. (۱۶: ص ۳۳۷) حضرت زینب(س) هم آنجاکه ابن زیاد در خطاب به او، خدارا شکر می‌کند که آنها را رسوا کرد، با به کارگیری این اسلوب می‌گوید: «خداوند را سپاس می‌گوییم که ما را با (انتخاب) پیامبر (از میان ما) گرامی داشت و از پلیدی پاک و تطهیر کرد. تنها فاسق است که رسوا می‌شود و دروغگو است که تکذیب می‌شود و ما هیچ یک از این دو گروه نیستیم». حضرت زینب در اینجا به زیبایی، کلام ابن زیاد را از اهل بیت، نفی می‌کند و به صورت غیرمستقیم، آن را به خود ابن زیاد نسبت می‌دهد.

۳-۲-۷) تحلیل بافت متنی خطبه حضرت زینب(س) در مجلس یزید در این خطبه نیز همانند خطبه ایشان در میان مردم کوفه، می‌توان بافت متنی آن را به دو قسمت بافت کلی یا بنایی و بافت ساختاری تقسیم کرد.

۱-۳-۲-۷) تحلیل بافت بنایی خطبه حضرت زینب(س) در مجلس یزید

۱. به جز زیبایی ندیدم. آنان قومی بودند که خدا کشته شدن را بر آنان نوشته بود، پس به سوی آرامگاههای خود رفتند.

این خطبه با حمد و سپاس خدا و صلوات بر محمد ﷺ و اهل بیت‌ش آغاز می‌شود. حضرت زینب در جای جای این خطبه، بازیابی و موقعیت‌شناسی بسیار عالی و با استشهاد به آیات الاهی، یکی پس از دیگری، گمانه‌زنی‌های یزید مبنی بر پیروزی بر اهل بیت و تلاش او را برای تحریف واقعه کربلا، باطل می‌کند. شاید بتوان متن اصلی خطبه را به چند بخش یا مرحله تقسیم کرد: در مرحله اول به اقدام یزید در بی‌احترامی به وحی الاهی که آن را قبل از خطبه آن حضرت به صورت ابیاتی زمزمه کرد - جواب می‌دهد و با استشهاد به آیه قرآن آن کار را نتیجه گناهان بسیاری می‌داند که یزید مرتکب شده و به بی‌احترامی به آیات الاهی انجامیده است.

در مرحله دوم، حضرت زینب به مقابله با غرور و تکبر یزید می‌پردازد. یزیدی که به خاطر اسیر کردن دختران رسول و روی آوردن ظاهری دنیا به او و پیروزی ظاهری در جنگ، گمان می‌کند که خداوند او را عزیز دانسته و خاندان اهل بیت را ذلیل کرده است. در اینجا هم حضرت زینب با استشهاد به آیات الاهی می‌گوید: روی آوردن دنیا به امثال شماها از روی سنت املاء الاهی است که به کافران مهلت می‌دهد.

حضرت زینب(س) در مرحله سوم، به یادآوری اصل و نسب اهل بیت و اصل و نسب بنی امیه می‌پردازد و یزید را توبیخ و سرزنش می‌کند که چرا دختران رسول خدا را در بند کرده، در حالی که پدران او به لطف رسول اکرم ﷺ بعد از فتح مکه، آزاد شدند.

ایشان در مرحله چهارم، به این نکته می‌پردازد که آنچه را یزید انجام داد، نتیجه اصل و نسب او هست؛ چرا که او فرزند همان هند جگرخوار معروف است.

در مرحله پنجم، به باطل کردن ظن و گمان یزید می‌پردازد که در اشعاری که قبل از خطبه خواند، پدران خود را به مشاهده پیروزی او و انتقامش از خاندان رسول دعوت کرد؛ ولی حضرت زینب(س) می‌گوید نه تنها آنها بر نمی‌گردند، بلکه تو نیز

به زودی به همان جهّنمی که آنها وارد شده‌اند، وارد می‌شوند.

در مرحلهٔ ششم، با اعتماد به وعده‌الاھی، نتیجهٔ عملکرد یزید را به خودش بر می‌گرداشد و می‌فرماید: ای یزید، تو با به شهادت رسانیدن حسین^{علیه السلام} تنها به خودت ضربهٔ زده‌ای؛ چراکه حسین^{علیه السلام} در راه خدا کشته شد و شهیدان در راه خدا هم زنده‌اند و نزد او روزی داده می‌شوند؛ ولی تو می‌مانی و این عمل زشت و سرو و کارت با خداوند و رسول^{علیه السلام} است و باید جوابگوی آنان باشی.

در مرحلهٔ هفتم، حضرت زینب به بلندی جایگاه خود نسبت به یزید اشاره می‌کند که او همیشه یزید را در هر حالی که باشد، کوچک و پست می‌شمارد. و مرحلهٔ آخر اشاره به اینکه یزید اگر تمام تلاش‌های خود را به کار بگیرد، نمی‌تواند یاد و خاطرهٔ کربلا و کربلائیان را از صحنهٔ روزگار محو کند. در پایان هم با حمد و سپاس بر خداوند - که به اوّلین خاندان آنها عزّت و به آخرین آنها شهادت عطاکرد - خطبه را به پایان می‌برد.

۲-۳-۲-۷) تحلیل بافت ساختاری خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید همان‌طور که در بافت موقعیتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید، به دلیل موقعیت خاص آن، اقتضای اسلوبی استدلالی و برهانی را داشت.

بررسی بافت متنی این خطبه، به خوبی، نشان می‌دهد که حضرت زینب با موقعیت‌شناسی ویرثهٔ خود و به کارگیری اسلوبی متناسب با شرایط، توانست رسالت خود را به بهترین شکل به انجام برساند. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. چهار چوبی ساده ولی استوار که در آن، الفاظ و عبارات همراه با موسیقی آرام در حرکت‌اند. به کارگیری این اسلوب بدان جهت است که موقعیت خطبهٔ ایشان، برهان و استدلال را اقتضا می‌کند و در اسلوب برهانی، الفاظ و عبارات ساده و با آهنگی آرام به کار می‌روند.

أَظْنَنتْ يَا يَزِيدَ، حِينَ أَخْذَتْ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَآفَاقَ السَّمَاوَاتِ، فَأَصْبَحْنَا

نَسَاقَ كَمَا تَسَاقُ الْإِمَاءُ، إِنَّ بَنَاءَ عَلَى اللَّهِ هُوَ أَنَّاً، وَبَكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ؟^۱

۲. برجسته ساختن جملات آهنگین در موقع خاص. به عنوان مثال، آنجاکه حضرت زینب می خواهد شدّت تعجب خود را از کشته شدن پیروان خداوند تو سطّ پیروان شیطان و آلوده شدن دستان به خون آنها و خون چکان شدن دهانها از گوشت آنها و خورده شدن جثّه‌های پاکشان تو سطّ گرگها در بیابان و پاره‌پاره شدنشان تو سطّ کفتارها... بیان کند، از عباراتی آهنگین -که با معانی تناسب دارند- استفاده می‌کند.

أَلَا فَالْعَجْبُ كُلُّ الْعَجْبِ، لَقْتُ حَزْبَ اللَّهِ النَّجَاءَ بِحَزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَقاءِ.

فَهَذِهِ الْأَيْدِي تَنْطَفُ مِنْ دَمَائِنَا وَالْأَفْوَاهُ تَتَحَلَّبُ مِنْ لَحْوَنَا وَتَلِكَ الْجِئْثُ

الظَّوَاهِرُ الرَّوَاكِيُّ تَتَنَاهَا الْعَوَاسِلُ وَتَعْرَفُهَا أَمْهَاتُ الْفَرَاعِلِ وَ.^۲

یا در جایی دیگر آنگاه که می خواهد تأکید کند که تو ای یزید، هرگز نخواهی توانست یاد مارا پاک کنی و اینکه روزگار تو اندک است، از جملات مداوم با آهنگی کوبنده استفاده می‌کند.

فَوَاللَّهِ لَا تَمْحُو ذَكْرَنَا وَلَا تَمْيِيتَ وَحِينَا وَلَا تَدْرِكَ أَمْدَنَا وَلَا تَرْحِضَ عَنْكَ عَارَهَا.

وَهُلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنْدُ وَأَيَّامُكَ إِلَّا عَدْدُ، وَجَمْعُكَ إِلَّا بَدْدٌ؟^۳

یا آنجاکه با استفهمهای انکاری پی در پی، از یزید می‌پرسدکه آیا گمان می‌کنی

۱. ای یزید، آنگاه که راههای زمین و آسمان را به روی ما بستی و ما را همانند اسیران، به گردش درآورده پنداشته که خداوند تو را عزیز و ما را خوار و ذلیل ساخته است؟

۲. بسی جای شگفتی و تعجب است که حزب خدا به دست حزب شیطان کشته شود. خون ما از پنجه‌های شما می‌چکد و پاره‌های گوشت بدن ما از دهانهای شما می‌ریزد و آن جثّه‌های پاک را گرگها و کفتارهای بیابان می‌درند.

۳. به خدا سوکنده، یاد ما از دلها و وحی ما را محو نتوانی کرد و به جلال ما هرگز نخواهی رسید و نمی‌توانی لکّه ننگ این ستم را پاک کنی. رأی و نظر تو بی اعتبار و زمان دولت تو اندک و اجتماع تو به پریشانی و نابودی خواهد کشید.

که الان که ما را همچون کنیزکان اسیر کرده‌ای و دنیا به تو روی آورده، دیگر تو نزد خدا عزیز و ما ذلیل هستیم و بعد یک دفعه با فریاد کوبنده «مهلاً مهلاً لا تطش جهلاً»^۱ یزید را از خواب خوش بیدار و متوجه آیات خداوند متعال می‌کند.

۳. کاهش صور خیالی همچون تشییه و استعاره، نسبت به خطبه ایشان در میان مردم کوفه.

۴. روش استدلالی و برهانی به جای روش تأثیرگذاری عاطفی.

حضرت زینب(س) استشهاد به آیات قرآن و توجه کردن به گذشته تاریخی اهل بیت و بنی امیه را مرکز اصلی استدلالات خود قرار می‌دهد؛ چراکه اگرچه یزید و اصحاب او به قتل فرزند رسول خدا دست یازیدند، ولی بهانه آنها در ظاهر، خارج شدن حسین^{علیه السلام} و یارانش از دین محمد^{علیه السلام} بود؛ همان‌طور که این اقدام را عذابی از جانب خداوند بر اهل بیت و عزتی برای بنی امیه می‌دانستند. پس حضرت زینب(س) در مواردی چند، تهمتها و دسیسه‌های آنها را با موقعیت سنجی باطل می‌کند که برای مثال، به دونمونه اشاره می‌شود.

- آنچاکه یزید وحی خدا را مورد تمسخر قرار می‌دهد، حضرت زینب با استشهاد به آیه ۱۰ سوره روم که می‌فرماید «سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال رشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند». تمسخر آیات الاهی را نتیجه طبیعی زیادی گناهان او می‌داند.

اشاره به اصل و نسب که پدرانش آزادشدگان رسول الله^{علیه السلام} بودند و پدرش معاویه که فرزند هند جگر خوار بود و در مقابل ذکر اصل و نسب اهل بیت^{علیهم السلام} که به رسول الله^{علیه السلام} بر می‌گردد و حسین^{علیه السلام} که پیامبر اور اسید شباب اهل الجنة خوانده است و الان یزید با این اصل و نسب، سرور جوانان بهشتی را به جرم خروج از دین، به شهادت می‌رساند!! «أَ مِنَ الْعَدْلِ يَا أَبْنَ الظَّلَقَاءِ، تَحْدِيرُكَ حِرَائِكَ وَ إِمَاءَكَ وَ سُوقَكَ

۱. اندکی آهسته و آرام‌تر.

بنات رسول الله ﷺ سیاپا؟»^۱ «کیف ترجی مراقبة ابن من لفظ فوه أكباد الأزكياء ونبت لحمه من دماء الشهداء؟»^۲ «...منتخيًا على ثنايا أبي عبدالله، سيد شباب أهل الجنة تنكتها بخصرتك»^۳

۳-۷ تأثیر خطبه‌های حضرت زینب (س)

با توجه به تمام ساختارهای متنی و غیر متنی که به آن اشاره شد، می‌توان گفت که این خطبه‌ها دارای تأثیر عمیقی بوده‌اند. در بررسی تأثیرات این خطبه‌ها، می‌توان به نقش مهم و غیرقابل انکار آنها در بیان رسالت کربلا و جلوگیری از تحریف آن توسط یزیدیان اشاره کرد. ولی برای درک بیشتر این تأثیرات، می‌توان به روایات و کلام برخی از مورخین مسلمان و حتی غیر مسلمان استناد کرد.

بعد از به اتمام رسیدن خطبه حضرت در کوفه، راوی می‌گوید: «به خدا قسم، در این هنگام، مردم را دیدم که سرگردان، گریه و زاری می‌کردند در حالی که انگشتان خود را (از شدت گریه) در دهان کرده‌اند. و در کنار خود پیرمردی را یافتم که گریه می‌کرد؛ در حالی که محسن او از اشکان چشم‌خشی شده بود و او با خود می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! پیرانتان بهترین پیران و جوانانتان بهترین جوانان و زنانتان بهترین زنان و نسل شما بهترین نسلها، که خوار و مغلوب نمی‌شوند». (۱۷۴: ص ۱۱)

در مورد تأثیر خطبه ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، مورخان آن را از عوامل مهم سقوط حکومت بنی امية دانسته‌اند. کورت فریشر در کتاب خود با نام امام حسین و ایران، در مورد خطبه ایشان در مجلس یزید می‌نویسد: «هنوز صحبت

۱. ای پسر آزادشده جد بزرگوار ما، آیا از عدل است که تو زنان و کنیزکان خود را در پرده بنشانی و پرده‌نشینان رسول خدا ﷺ را این طرف و آن طرف برانی؟

۲. چگونه می‌توان امید بست به دلسوزی کسی که مادرش جگر پاکان را جویده است و گوشتش از خون شهیدان روییده؟

۳. ... در حالی که با چوب دستی بر لب و دهان ابا عبدالله سید جوانان اهل بهشت، می‌زنی.

زینب، دختر علی بن ابی طالب، تمام نشده بود و کسانی که در مجلس یزید بن معاویه حضور داشتند، به دقت، سخنان آن زن را می‌شنیدند و از شجاعت وی حیرت می‌کردند. تا آن روز کسی جرئت نکرده بود که آن طور صریح و بدون پرده، ظلم و فسق و رشوه‌خواری دستگاه خلافت یزید بن معاویه را رویه رو، با حضور عده‌ای زیاد شاهد و مستمع با او بگوید.» (۱۰: ص ۵۲۰)

سپس در مورد تأثیر این خطبه می‌گوید: «نطق زینب، دختر علی بن ابی طالب، طوری حکومت اموی را متزلزل کرد که حتی در زمان خود یزید بن معاویه مردم مدینه، یعنی مردم همان شهری که اسلام از آنجا قوت گرفت و توسعه به هم رسانید، بر ضد حکومت اموی شورش کردند... سه نفر که هر سه علمدار شورش علیه حکومت اموی شدند، آن روز در مجلس یزید حضور داشتند. یکی از آنها فضل بن عباس بن ربیعه بود که بعد از مراجعت به مدینه، علم شورش را برا فراشت و کشته شد. دیگری عبدالله بن زبیر بود که بعد از شورش فضل بن عباس بن ربیعه در مدینه و کشته شدن او، در مکه شروع به طغیان کرد و مردم مکه را علیه یزید بن معاویه شورانید... سومین شخص مختارین ابی عبیده ثقیل بود و می‌توان گفت که آن سه نفر اگر آن روز در مجلس یزید حضور نداشتند و نطق زینب را نمی‌شنیدند، مبادرت به شورش نمی‌کردند. اگرچه شورش مختارین ابی عبیده ثقیل بعد از مرگ یزید بن معاویه آغاز شد، ولی باز آن مرد تحت تأثیر نطق زینب قرار گرفت.» (همان: ص ۵۲۴) اسد حیدر می‌گوید: «زینب یزید را به گونه‌ای خطاب قرار داد که او را از آن خونسردی ظاهری بیرون کشید و او همچون بنده‌ای گناهکار بود که در دست بانوی بزرگوار است و مورد سرزنش و ملامت قرار می‌گیرد.» (۲: ص ۳۴۷)

نتیجه گیری

تحلیل گفتمان ادبی همچون دیگر شاخه‌های آن در دهه‌های اخیر، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. در این روش، متون ادبی از دو جنبه بافت متن و بافت



موقعیت بررسی می‌شوند. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س) با بررسی این دو بافت، به خوبی، شمّه‌هایی از فصاحت و بлагت کلام ایشان را نشان می‌دهد. خطبه‌های ایشان از یک سو، با استفاده از اسالیب و مفاهیم قرآنی و به کارگیری اصول زیباشناسانه و هماهنگی بین متنی و از سوی دیگر، با هماهنگی که میان دو بافت متنی و موقعیتی آنها وجود دارد، توانسته‌اند به بهترین شکل، فصاحت و بлагت زینبی را نشان دهند. ایشان در خطبهٔ خود در میان مردم کوفه، با برجسته‌سازی‌های عاطفی - که متناسب با فضای حاکم بر مخاطبان بود - توانست بیشترین تأثیرات را در اهل کوفه به جای بگذارد. در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید، در حالی که بیشترین مصیبتها بر اهل بیت وارد شده بود و کسی را یارای مقابله با یزیدیان نبود، با به کارگیری اسلوب برهانی و استدلالی و تخطیه کردن ابن‌زیاد و یزید، توانست تأثیر شگرفی را در طول تاریخ بر جای بگذارد و رسالت برادر را به بهترین شیوه ممکن، به انجام برساند.

منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس. مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱ ش.
۲. اسد، حیدر. مع الحسين في نهضته.
۳. بهرامپور، شعبانعلی. درآمدی بر تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹ ش.
۴. حفني، حسين. تحليل الخطاب. المؤتمر العلمي الثالث، تحليل الخطاب العربي (بحوث مختارة). عمان: جامعة فیلادلفیا.
۵. روزنامه توسعه. درباره تحلیل گفتمان. ۱۳۸۰/۹/۶.
۶. سید قطب. النقد الادبي اصوله و مناهجه. دارالشرق، ۲۰۰۶ م.
۷. شعیری، محمد رضا. نشانه معناشناختی گفتمان. تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
۸. الصالح، صبحى. نهج البلاغه. قم: منشورات دارالهجره.

۹. فرکلاک، نورمن. **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. فریشر، کورت. **امام حسین و ایران**. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. القزوینی، عبدالحسین. **صناعة الخطاب**. بیروت: مؤسسه البلاغه، ۱۹۸۸ م.
۱۲. محدثی، جواد. **پیام‌های عاشورا**. قم: تحسین، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. مطهری، مرتضی. **حماسة حسینی**. ج ۳، تهران: انتشارات صدراء، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. مک دائل دایان. **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. میلز، سارا. **گفتمان**. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: نشر هزاره سوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. الهاشمی، احمد. **جواهر البلاغه**. نشر الهام، ۱۳۷۹ ش.